

خلاصه بیهی

کرونا باطل السحر نگاه استعماری به جامعه ایرانی

دکتر میثم مهدیار
معاون پژوهشی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

مشترک این است که عمده این صفات را در میان ایرانیان در طی قرن‌ها ثابت و مستمر و حتی به صورت ذات‌گرایانه‌ای ژنتیکی می‌دانند. البته همان‌طور که دکتر «آرمین امیر» در کتاب «ره افسانه زدند» نشان داده، این احکام و تصویرسازی‌ها بیشتر حاصل کپی کاری و تقلید از منابع مستشرقان و قوه داستان‌سرایی این نویسندگان بوده، فاقد روشمندی علمی است. در مقابل این تصویرسازی‌ها، امروز که جهان و کشور ما درگیر کرونا است، مشارکت‌های اجتماعی داوطلبانه در سطح وسیعی به صورت محلی و ملی در کشور دیده می‌شود؛ مردمی که داوطلبانه ماسک و گان می‌دوزند، کسانی که به ضدعفونی معابر می‌پردازند، گروه‌هایی که برای بیماران و کادر درمان آمیوه تدارک می‌بینند، موج‌هایی که اجاره‌های مستأجران را بخشیده‌اند، خیریه‌هایی که برای آسیب‌دیدگان اقتصادی این روزها و سالمندان و ناتوان‌ها ارزاق تهیه می‌کنند و حتی داوطلبانی که تغسیل اموات راعهده‌دار شده‌اند و... درحالی‌که در کشورهای غربی میان مردم درگیری و حتی برای خریدن اسلحه صف‌های بلندی ایجاد می‌شد و دولت‌ها اقلام بهداشتی و درمانی را از یکدیگر سرقت می‌کردند.

وقتی این حجم از نظم و همکاری‌های جمعی، مشارکت‌های خودجوش و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر در ایران دیده می‌شود، بسیاری از آن تصویرسازی‌های استعماری و اروپامدارانه از خلیقات منفی ایرانیان رنگ می‌بازد. البته منظور این نیست که مردم ما در زمان شیوع کرونا کز رفتاری نداشته یا دیگر ملت‌ها اهل مشارکت‌های داوطلبانه نبوده‌اند؛ اما مرور اجمالی و مقایسه‌ای نگارنده (که داده‌هایی از کانال‌ها و گفت‌وگو با هم‌وطنان و فعالان رسانه‌ای

است؛ به طوری که برخی‌ها این شق از بررسی‌ها را «خود شرق شناسی» نامیده‌اند.

در کشور ما نیز نظیر این الگو تکرار شده و در دو سده اخیر کتاب‌های بسیاری از نویسندگان وطنی در نقد اخلاقیات و منش ایرانیان به نگارش درآمده است. موج نخست این کتاب‌ها در دوره مشروطه بود که در قالب رساله‌های سیاسی - اجتماعی به دست منورالفکران نسل اول طبع می‌شد و بازتاب‌های بسیاری در مطبوعات آن دوره داشت. موج دوم با کتاب «خلقیات ما ایرانیان» از «محمدعلی جمال‌زاده» در دهه ۴۰ آغاز و با «نیرنگستان» «صادق هدایت» فریه شد و در دهه ۵۰ با کارهای «کاتوزیان»، «محمدعلی ایزدی»، «بازرگان» و بعد به صورت گسترده در دهه ۷۰ و ۸۰ نویسندگان دیگری همچون، «حسن نراقی»، «قاضی مرادی»، «علی‌رضا قلی»، «محمود سریع‌القلم»، «صادق زیباکلام» و... دنبال شده است. در تصویرسازی‌های نویسندگان نکته مهم و

استعمار قبل از اینکه بتواند جهان غیرغربی را مبتنی بر نیروی غلبه و زور خود مستعمره کند، می‌بایست زمینه‌های فرهنگی حضور خود را مهیا می‌کرد. شرق شناسان و جهانگردان غربی با حمایت مالی کمپانی‌های استعماری به سراسر دنیا سفر می‌کردند و در قالب سفرنامه‌ها تصویری عقب‌افتاده و بدوی و غیرمتمدن از جهان غیرغربی می‌ساختند تا حضور نظامی و اقتصادی غربی‌ها را توجیه کنند.

مواجهه جامعه ایرانی با کرونا بسیاری از انگاره‌ها و کلیشه‌های استعماری را ابطال کرد که سال‌هاست در علوم اجتماعی در ایران بازتولید می‌شوند؛ کلیشه‌هایی غالباً سیاه و منفی درباره خلیقات ما ایرانیان!

بحث را از اینجا شروع می‌کنم که استعمار قبل از اینکه بتواند جهان غیرغربی را مبتنی بر نیروی غلبه و زور مستعمره خود کند، می‌بایست زمینه‌های فرهنگی حضور خود را مهیا می‌کرد. شرق شناسان و جهانگردان غربی با حمایت مالی کمپانی‌های استعماری به سراسر دنیا سفر می‌کردند و در قالب سفرنامه‌ها تصویری عقب‌افتاده و بدوی و غیرمتمدن از جهان غیر غربی می‌ساختند تا حضور نظامی و اقتصادی غربی‌ها را توجیه کنند. این تصویرسازی به قدری قوی بود که بسیاری از شرقی‌ها نیز با باور آن‌ها، حضور استعمارگران را به نفع خود و اصلاً لفظ استعمار را به معنای طلب عمران و آبادی می‌دانستند.

«ادوارد سعید» در اثر مهم خود که سنگ بنای مطالعات پسااستعماری شد، این دست از تصویرسازی‌ها را «شرق‌شناسی» نامیده است. آن‌طور که سعید و خلف او اشاره کرده‌اند بر اساس این تصویرسازی‌های شرق شناسانه، فرد غیر غربی انسانی تنبیل و تن‌پرور، خودمحور، استبدادزده، دروغ‌گو، شهوت‌ران، حسود و ریاکار، منفعل، نظم‌ناپذیر، فاقد روحیه مشارکت و... توصیف شده است. البته شرق شناسی فقط در غرب محدود نماند و به واسطه ارتباطات استعماری، عین این گزاره‌ها در کار بسیاری از نویسندگان شرقی که برای فهم علل عقب‌ماندگی‌شان به دنبال تحلیل شخصیت و منش و اخلاقیات کلی ملت‌های خود بوده‌اند نیز تکرار شده